

بازتاب

میزبانان خسته پرندگان مهاجر ناجی می‌خواهند

علی دماوندی‌کناری

■ در ورودی شرقی شهر ساحلی فریدون‌کنار در استان مازندران، می‌دانی است به نام درنا که با بودجه طرح بین‌المللی حفاظت از درنای سیبری ساخته شده است. این میدان با جاده‌ای به نام خط سوتِه – همنام روستایی در منطقه– شما را به سمت شالیزاها و دامگاه معروف این شهر رهنمون می‌کند؛ دامگاهی که با وسعت ۵۴ هزار هکتار در واقع شالیزارهایی هستند که در فصل پاییز و زمستان به صورت تالاب درمی‌آیند. تالاب بین‌المللی فریدون‌کنار که بیست و دومین تالاب بین‌المللی ایران به شمار می‌رود در حقیقت تشکیل شده‌است از چهار دامگاه که در بین شالیزارهای وسیع قرار گرفته است و سالیان متوالی است که حضور پرندگان مهاجر جلوه زیبایی به این اکوسیستم آبی بخشیده است. این مجموعه تالانی هرساله پذیرای تعداد بی‌شماری از پرندگان مهاجر است.

با آغاز فصل پاییز و مهاجرت انواع پرندگان وحشی به این منطقه، مردم محلی برای ارتقا و کسب درآمد با انواع شیوه‌ای صید چون دوما (به ضمه د)، گذر (به کسره گ) و شب دم (به ضمه د) این پرندگان خسته را شکار می‌کنند و در بازار شهر می‌فروشند. این رویه از گذشته‌های دور معمول بوده و در حال حاضر هم ادامه دارد و هرساله نیز به دلایل مختلف از جمله شکار و صید بی‌رویه، تخریب زیستگاهها و تغییر کاربری این اراضی و اجرای طرح‌های توسعه‌ای ناپایدار (همچون کمربندی شهر) در حریم زیستگاه‌های این پرندگان، از جمعیت و شمار آنها کاسته می‌شود. در این میان شکار و صید بی‌رویه نقش بارزی در کاهش جمعیت آنها دارد و شاید تا چند سال دیگر خبری از این مهاجران نباشد. آنچه در این میان می‌توان به آن اشاره داشت این است که مردم منطقه از روی تفریح به شکار و صید پرندگان نمی‌پردازند. صیادان این پرندگان با تحمل سرما و بی‌خوابی به شکارگاه می‌روند و این مساله گویای موضوعی است که همیشه به آن اشاره می‌شود. متأسفانه به دلیل ظاهر فریبنده مازندان کسی متوجه فقری که در درون آن موج می‌زند، نمی‌شود. بیکاری و فقر مردم بومی را مجبور می‌کند تا از راه صید این پرندگان مهاجر کمکی به دخل و خرج زندگی خود کنند. اما در این میان دوستانداران محیط‌زیست به‌جای اینکه صرفاًحفظ شکار را محکوم کنند یا اه و ناله سر دهند، بهتر اصولی‌تر و واقع‌بینانه‌تر به موضوع بنگرند.

سال‌هاست که در شهر شنیده می‌شود قرار است اداره حفاظت از محیط زیست، دامگاه فریدون‌کنار را



در اختیار بگیرد و شکار را در آن ممنوع کند. تاکنون این اتفاق نیفتاده است، اگرچه تالاب فریدون‌کنار جزو مناطق حفاظت‌شده است ولی جزو مناطق حفاظت‌شده‌ای است که سازمان محیط زیست تاکنون نتوانسته آن‌طور که باید و شاید مدیریت خود را بر نحوه و میزان قانونی شکار و صید در آن اعمال کند. شاید بتوان گفت حفاظت محیط زیست تنها چیزی است که در این منطقه، محلی از اعراب ندارد. حال آنکه با توجه به سوابق سازمان محیط زیست، شاید خود این بی‌توجهی نوعی حمایت باشد و جای شکر دارد. از سوی دیگر مردم محلی به تجربه، نتیجه تخریب زیستگاه‌های پرندگان و کاهش جمعیت آنها را به‌خوبی درک می‌کنند اما شاخص نیاز و در مرحله بعد بحث فرهنگی اجزاء مدارا و هماهنگی با طبیعت را به آنان نمی‌دهد.

به نظر می‌رسد از این موهبت خدادادی به نحوی دیگر هم می‌توان استفاده کرد که هم به اقتصاد شهر کمک کند و هم به حفظ حیات وحش و جان پرندگان مهاجر. یکی اینکه دامگاه فریدون‌کنار به عنوان منطقه حفاظت‌شده صورت می‌شود تا شکار و صیدی در آن صورت نگیرد اما دست‌کم به حداقل شکار در آن بسنده شود. دوم تاسیس مرکز پرنده‌شناسی یا پارک حیات وحش که با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی منطقه بسیار مناسبی خواهد بود. ضمن اینکه برپایی و راه‌اندازی سایت‌های پرندبینی (BirdWatching) در ایام مهاجرت پرندگان می‌تواند تاثیر بسزایی داشته باشد. تالاب فریدون‌کنار توانایی این را دارد که به یکی از بهترین و کامل‌ترین پایگاه‌های پرندبینی تبدیل شود. پرندنگری در کنار تماشای زیبایی منحصر به فرد پرندگان از جمله راهکارهای مناسب برای جلب مشارکت مردمی برای دستیابی به محیط زیست پایدار است.

ایجاد انگیزه لازم برای مشارکت جوامع محلی در حفظ، حراست و حمایت از تالاب و گونه‌های جانوری آن، عدم صدور مجوز ساخت اماکن مسکونی یا احداث شهرک در این محدوده، جلوگیری از صید سنتنی و فرهنگ‌سازی رای جذب توریسم نیز از دیگر راهایی است که مسوولان امر لاقال می‌توانند کمی به آن فکر کنند. شاید اگر بتوان چرخ صنعت اکوتوریسم را در این منطقه به حرکت درآورد، آن وقت می‌توان به حفظ گونه‌های ارزشمند حیات وحش امیدوار بود و اگر در این کار افراد بومی منطقه دخیل شوند، می‌تواند یکی از بهترین راهکارها در حفظ جان این پرندگان مهاجر باشد. به امید آن روز.

برای چهارمین سال متوالی، بار دیگر صدها قوی مهاجر با سرد شدن هوا در منطقه سرخ‌رود مازندران فرود آمدند تا چند ماهی را در این منطقه به زمستان‌گذرانی بپردازند. هر چند این روزها تالاب‌های استان‌های شمالی ایران میزبان صدها هزار پرندۀ مهاجر زمستان‌گذران است اما در این بین، مهاجرت ۹۵۰قوی فریادکش و گنگ در دو ماه اخیر یکی از زیباترین و ناب‌ترین چشم‌اندازهای طبیعی را در استان مازندران رقم زده‌است که هر دوستدار طبیعتی را به وجد می‌آورد و در برابر این همه زیبایی به تعظیم وامی‌دارد. منطقه سرخ‌رود، حدفاصل بین دو شهرستان فریدون‌کنار و محمودآباد مازندران در شرایطی میزبان ۹۵۰ قوی مهاجر شده که اتفاقاً در این منطقه هیچ تالاب طبیعی با اهمیتی وجود ندارد با این وجود قوهای مهاجر، شالیزارهای سرخ‌رود را که این روزها در بین ویلاهای شخصی، دامگاه‌های صید و صیادی و دکل‌های برق فشار قوی محاصره شده و هر از گاهی جان قوها را می‌گیرد به ناچار برای زمستان‌گذرانی انتخاب کردند. چهار سال قبل که با بروز تغییرات جوی شدید در مناطق سردسیر زمین قوها برای نخستین بار بعد از ۳۰ سال این منطقه را برای زمستان‌گذرانی انتخاب کردند، ناگهان اداره کل محیط‌زیست مازندران را غافلگیر کردند. از این رو تلاش اداره محیط زیست آمل و دوستانداران محیط زیست این بود تا حد امکان، شرایط زیست بهتری را برای این پرندۀ زیبا در سرخ‌رود فراهم کنند. تا حالا که سه هزار قوه سرخ‌رود را به دیگر زیستگاه‌های حفاظت‌شده استان ترجیح داده‌اند و در این منطقه فرود آمده‌اند، با کمترین آسیب و تهدیدات جدی مواجه شده‌اند. اما خطر از زمین و هوا قوها را تهدید می‌کرد. شکارچیان فرصت‌طلب با وجود محافظت‌شبهانه‌روزی محیط‌بانان هر از گاهی اقدام به شکار قوها می‌کردند و برخی دامگاه‌داران نیز برای زنده‌گیری قوها اقدام به دانه‌ریزی و کشاندن قوهای گرسنه به سمت دامگاه‌های خود می‌کردند که در این بین با طعمه صیادان می‌شدند یا در حین پرواز گرفتار هیمهای دکل‌های برق فشار قوی می‌شدند و در دام سیم‌های برق گیر افتاده و می‌مردند. اگر هم قویی جان سالم به در می‌برد یا دچار برق‌گرفتگی می‌شد و به تدریج جان می‌داد یا دچار شکستگی و حتی قطع بال می‌شد. در همین زمان بود که اداره محیط زیست علاوه بر حفاظت فیزیکی منطقه تلاش کرد تا با دانه‌ریزی در منطقه، حتی‌الامکان مانع از پرواز قوها به سمت دامگاه‌های دیگر که در بین دکل‌ها قرار گرفته بودند، شود. البته تلاش گروه‌های زیست‌محیطی از جمله انجمن حمایت از حیوانات، دیده‌بان کوهستان و کانون عالی گسترش فضای سبز و حفظ محیط‌زیست ایران و در صدر این گروه‌ها تلاش کانون محیط‌بانان برای تهیه ذرت و گندم مورد نیاز قوها و همکاری با کارشناسان و محیط‌بانان محیط‌زیست، ستودنی بود تا مهاجران خسته، زمستانی کم‌درسترتر را در این منطقه سپری کنند و با حداقل تلفات به زادگاه خود در عرض‌های جغرافیایی بالاتر برگردند. شاید همین میزبانی نسبتاً خوب بود که باعث شد تا سال‌های بعد نیز قوها بار دیگر به سرخ‌رود بیایند و امسال نیز چهارمین سالی است که شالیزارهای سرخ‌رود میزبان صدها قوی زیبای مهاجر است؛ شالیزارهایی که تا چندی قبل میزبان شالیکاران بود با پایان یافتن فصل برداشت برنج و بارش باران زمستانی، اکنون به آبگیرهای موقتی تبدیل شده و قوها را میزبانی می‌کند. اما زیاتر از صحنه‌های بی‌بدیل فرود قوها در منطقه سرخ‌رود، تلاوم مشارکت برخی گروه‌های زیست‌محیطی، مردم و حتی شهرداری سرخ‌رود با اداره محیط زیست آمل در تامین غذای مورد نیاز قوهاست که نمایشی از حضور خودجوش



سال‌هاست که این حقیقت بر همه کارشناسان و متخصصان حوزه محیط زیست و منابع طبیعی آشکار شده است که دست یافتن به هوای پاک در گرو حفظ تالاب‌ها و فضای سبز درختی پیرامون سکونتگاه‌های شهری و روستایی است. بسیاری از اکولوژیست‌های مطرح جهان بر این باور هستند که ارزش تالاب‌ها و کارکردهای زیست‌محیطی این زیست بوم‌های کهمتاً به‌دسترسی ناسانایی و تبیین نشده است. مطالعات ارزش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی تالاب‌ها بیانگر آن است که یک تالاب حدود ۱۰ برابر جنگل و ۲۰۰ برابر زمین زراعی ارزش اقتصادی دارد و اضافه بر آن تنظیم آب و هوا، جلوگیری از سیل، حفاظت از تنوع گیاهی و جانوری، زیبایی و جاذبه‌های دیداری، جاذبه‌های توریستی و ایجاد فضایی برای زندگی پرندگان از جمله ارزش‌های تقویم‌ناشدنی آنهاست. نزدیک به دو دهه است که حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق مجاز و غیرمجاز امان مرغزار شهرکرد که کارکردهای غیرقابل‌کتمانی در ایجاد تعادل آب و هوای شهرکرد به عنوان مرکز چهارمحال و بختیاری داشته، بریده است. برداشت‌های بیش از حد مجاز این چاه‌ها

برده است. برداشت‌های بیش از حد مجاز این چاه‌ها

برده است. برداشت‌های بیش از حد مجاز این چاه‌ها

برده است. برداشت‌های بیش از حد مجاز این چاه‌ها

محیط زیست

فروش مهاجران خسته در بازار فریدون کنار به قیمت ۱۵۰هزار تومان

۹۵۰ قوی مهاجر در سرخ‌رود مازندران فرود آمدند

مژگان جمشیدی



عکس‌ها، شرق

حضور خبرنگار شرق در فریدون‌کنار در هفته گذشته دوبار صورت گرفت و بار اول شش قو و بار دوم سه قو به قیمت هر کدام ۱۵۰ هزار تومان بین قاچاقچیان حیات‌وحش معامله شد. یکی از فروشندگان می‌گفت قوها از راه دور به فریدون‌کنار آمده بودند. می‌پرسم از سرخ‌رود گرفته شدند، می‌گوید: «از بندر ترکمن و گلوگاه آمدند، شاید از میانکاله گرفته شده باشند». می‌گویم پس قوها کجا هستند، می‌گوید: «محیط زیست برخورد می‌کند به همین دلیل اینجا در ملاذعام نیستند و تنها معامله و بازاریابی در اینجا صورت می‌گیرد.» اما قو تنها پرندۀ کمبایی نیست که این روزها مخفیانه و به دور از چشم محیط‌زیست صید و فروخته می‌شود. فلانمیگو و بازهای شکاری و حتی جغد نیز در این بین به صورت قاچاق فروخته می‌شود. پرندگان کمبایی که خرید و فروش‌شان جرم محسوب می‌شود و مصرف خوراکی هم ندارند و تنها انگیزه متخلفان کسب سودهای کلان و نابودی حیات‌وحش کشور است.

در انتظار سال بعد

قوها تا پایان فصل سرما در سرخ‌رود باقی می‌مانند و به محض گرم شدن هوا منطقه را به سمت عرض‌های جغرافیایی بالاتر ترک می‌کنند. اما قوهایی که جفت خود را در این سفر از دست داده‌اند دیگر به زادگاه اصلی خود برنمی‌گردند و در همین منطقه باقی می‌مانند. شاید به همین دلیل است که همواره کارشناسان، قو را یکی از پر عاطفه‌ترین پرندگان می‌شناسند. در باور مردم سرخ‌رود و آمل نیز شکار قو چندان امر پسندیده‌ای نیست چون اغلب مردم معتقدند وقتی قوها را شکار می‌کنند از چشم قوی جفت که باقی مانده است، اشک جاری می‌شود. همین باور باعث شده تا امروز سرخ‌رود به منطقه نسبتاً مناسبی در مقایسه با سایر مناطق مازندران برای قوها تبدیل شود و کمتر قوها شکار شوند اما باز هم شکارچیان فرصت‌طلب در کمین‌نستند.



برای هوای پاک بام ایران

هوای تالاب‌ها و جنگل‌ها را داشته باشیم

هومان خاکپور

سبب شده است که اختلاف دمای شب و روز در منطقه افزایش یافته و با حداکثر دمای گرم در روز و حداقل دمای سرد در شب مواجه شویم و به‌تدریج شرایط زندگی برای اهالی آن سخت شود. تالاب‌های گندمان و دهنو در استان نیز از شرایط بسیار نامطلوبی برخوردار بوده و رفتارهای نابخردانه انسانی با شراکت خشکسالی‌های اخیر، وضعیت فاجعه‌باری را برای آنها رقم زده است؛ وضعیت تأسف‌ناوری که این دو تالاب ارزشمند را به سمت تبدیل به کانو‌های تولید گرد و غبار و آلودگی هوای سکونتگاه‌های شهری و روستایی اطراف آنها سوق داده است. اصولاً انتظار است دست‌اندرکاران روز با هفته هوای پاک، با به چالش کشیدن این مضل‌های محیط زیستی، دستگاه‌های متولی در حوزه هوا و سلامت شهروندان را متوجه کنند که اگر به‌موقع

نجنبند و اقدامی موثر در مهار این بیابان‌زایی خطرناک انجام ندهند، ممکن است علاوه بر از دست دادن این تالاب‌های ارزشمند، کیفیت زندگی در این مناطق به شدت به مخاطره بیفتد. عدم توجه به مراقبت‌های جدی، آبیاری و توسعه فضای سبز درختی در شهرهای استان، خصوصاً شهرکرد و بروجن که در خارج از رویشگاه‌های جنگلی استان واقع شده‌اند، می‌تواند هوای این مناطق را به‌شدت تحت تاثیر قرار داده و از کیفیت آن بکاهد. با وجود برخورداری استان از ظرفیت‌های آبی و شرایط اقلیمی کم نظیر، پایین بودن سرانه فضای سبز درختی در این شهرها – که نه تنها به نسبت میانگین جهانی بلکه به نسبت میانگین کشوری کم است – تعجب خیلی‌ها را برمی‌انگیزد که چقدر سهم شهروندان این مناطق از درخت کم است و چقدر این شهرها به لحاظ پوشش فضای سبز فقیر هستند و تأسف‌آورتر آنکه در مقابل این کاستی‌ها، همواره رویشگاه‌های جنگلی استان هدف تخریب‌های ناشی از قطع جنگل برای تامین سوخت هیزمی و زغال، زراعت در زیر اشکوب درختان، چرای بی‌رویه دام و حتی اجرای پروژه‌های عمرانی قرار گرفته و روز به روز از تعداد این درختان کاسته می‌شود.

نگاه سبز

میهمانان زمستانه در پل چشمه کیله

کوشان مهران

■ هر سال با شروع ماه‌های سرد جمع کثیری از مرغان نوروزی (کاکایی) سرسپاه و به تعداد محدود کاکایی سرسپاه بزرگ (هر دو در آرایه زمستانه) در مصب رودخانه چشمه کیله تنکابن جمع می‌شوند و شاید بتوان این پرندگان را جزو مهم‌ترین جاذبه‌های طبیعی شهری این ناحیه به حساب آورد. خوشبختانه برخلاف اکثر مناطق ایران رابطه این پرندگان و مردم ساکن در شهر، رابطه‌ای دوسویه است. مردمی که با دیدن انبوه کاکایی‌های پرجنب‌وجوش، حس زیبایی‌دوستی ذات خود را ارضا کرده و از آن سو، این پرندگان از امنیت موجود در زیستگاه و تئذیه‌دستی از سوی تماشگران خود بهره‌مند می‌شوند. شاید در وهله نخست حلال نبودن گوشت کاکایی رمز بقای جمعیت آن در رودخانه‌های شهری باشد ولی بر خلاف بسیاری از شهرها و روستاهای کشور که هر جانور ذی‌حیاتی آماج سنگ و گلوله خرد و کلان قرار می‌گیرد، در تنکابن جز معدودی افراد که مخفیانه با تفنگ بادی و برای فروش کاکایی به تاکسیدرمیست‌های غیرمجاز محلی، دست به این کار می‌زنند، در عرف این منطقه این گونه همچون پرستو به‌وسیله قانونی نانوشته حفاظت می‌شوند. هنگام ایجاد پارک ملی یلواستون در دهه ۴۰قرن نوزدهم میلادی در آمریکا، مهم‌ترین هدف اعضای انگترو حفظ یک منظر و نمای طبیعی و ملی از شکوه طبیعی بود که در سواحل قایقاسن اطلس و منطقه نیوانگلندبه دلیل تغییر کاربری اراضی و بهره‌کشی آزمندانه از زیست‌بوم برای همیشه تغییر یافته بود. از اوایل دهه ۱۹۲۰ و احداث جاده‌های قابل دسترسی به پارک و مدیریت کمپینگ‌ها و گلگشت‌های صحرایی و جنگلی و در کنار دسترسی روزافزون بیشتر خانواده‌های آمریکایی به اتومبیل، انبوه جمعیت به پارک ملی یلواستون سرازیر شد. در کنار آفشان‌های پارک، یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های منطقه دیدن رودرویی خرس‌های پرشکوه گریزلی بود. شکار و تله‌گذاری سازمان‌یافته شکارچیان حرفه‌ای که در خدمت دولت فدرال و مالکان خصوصی بودند در آن سال‌ها جمعیت خرس گریزلی را در آمریکا (جز ایالت آلاسکا) عملاً محدود به دلیل ملی یلواستون کرد و یک جمعیت خرس در جزیرهای از مراتع، مزارع، دام‌های اهلی و گلهداران مسلح قرار داشتند که دیدگاه آنها نسبت به جانوران گوشتخواری چون خرس، گرگ و شیر کوهی حتی اکنون نیز تغییر پیدا نکرده است. در دهه‌های نخستین ورود انبوه گردشگران به پارک، خرس‌های گریزلی به دلیل تئذیه‌دستی مردم و در دسترس بودن سطل‌های زباله محلی خوراکی‌های دلچسب و مقوی، عملاً از زیستگاه طبیعی خود خارج شده و آرام‌آرام به زباله‌خواری خو کردند. به



دلیل چندین مورد برخورد منجر به مرگ گردشگران به دلیل حمله غیرمنتظره خرس به جادر آنها، مدیران پارک تصمیم گرفتند الگوی رفتاری خرس‌ها و بازدیدکنندگان را تغییر دهند. مردم از تئذیه‌دستی جانوران منع شده (کار فرهنگی از طریق انتشار پوستر و بروشور و سخنرانی و فیلم و در آخر برخورد مستقیم با خطای و جریمه) و از سوی دیگر سطل‌های زباله جدیدی طراحی شد که خرس‌ها قادر به باز کردن یا بر گرداندن آنها نباشند. اما برای جانورانی که از هنگام تولدگی با مادر خود از زباله و غذای در دسترس تئذیه کرده و بیم و هراسی از انسان نداشتند داستان به این سادگی ختم نشد. پارای از خرس‌ها که از این منبع غذایی در دسترس محروم شده بودند، از محوطه پارک خارج شده و به مزارع و داملاری‌ها نزدیک شده و باعث بروز خسارت به جوامع محلی شدند و در پارهای از موارد که خرسی برای چندمین بار از پارک خارج شده و مشکل‌ساز شد، مدیران پارک به ناچار آن را به زیستگاهی دیگر (که اکثراً باغ وحش بوده) منتقل کرده و گاهی ناگزیر به شلیک به سبوی خرس‌هایی هستند که به دلیل حمله به گردشگران در لیست سیاه قرار گرفته‌اند. از دیدگاه پارهای از کارشناسان محترم و دلسوز محیط زیست هرچند تئذیه‌دستی کاکایی‌های مهاجر باعث جذب جمعیت زیادی از آنها در زمستان‌ها در محدوده پل چشمه کیله تنکابن می‌شود ولی به دلیل تغییر الگوی رفتاری و تئذیه‌ای این پرندگان این احتمال وجود دارد که پس از پایان فصل سرما به دلیل امنیت حاکم بر زیستگاه زمستان گذرانه و وفور غذا، تغییراتی در الگوی مهاجرتی و تولید مثلی این گونه صورت پذیرد. هرچند بنا بر نظر نیاز خود، یک رزینیل سلیم زنده خرید و آزاد می‌کردند تا به نیاز و مراد خود دست یابند در شیراز از قدیم رسیدن نوروز و نو شدن سال مصادف با گردش دسته‌های کاکایی بر فراز زادگاه حافظ سعدی بوده به این سبب این پرندۀ در شیراز به مرغ نوروزی شهره است.

تا چند دهه گذشته که تپه‌های شنی ساحلی با پوشش گیاهی ویژه خود از ساحل رامسر تا میانکاله تقریباً یکپارچه بود، انواع سلیم‌ها از این سواحل به عنوان کلونی زادآوری استفاده می‌کردند. شکارچیان محلی با دام و تله شبانه سلیم‌های زیادی را گرفتار کرده و در رزینیل‌های حبصری در بازار برای فروش عرضه می‌کردند. پارای از افراد ربا در نظر نیاز خود، یک رزینیل سلیم زنده خرید و آزاد می‌کردند تا به نیاز و مراد خود دست یابند در شیراز از قدیم رسیدن نوروز و نو شدن سال مصادف با گردش دسته‌های کاکایی بر فراز زادگاه حافظ سعدی بوده به این سبب این پرندۀ در شیراز به مرغ نوروزی شهره است.